

Urban Economics and Planning

Homepage: <http://eghtesadeshahr.tehran.ir/>

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Explaining the components of the sense of place in the cultural zone of Tehran Case study: Scientific-cultural axis of Darvazeh Dowlat - Enghelab Square

Fereshteh Ahmadinezhad¹, Alireza Bandarabad^{2*}, Saeid Piri³, Atousa Modiri⁴

¹ PhD Candidate of Urban Planning, Islamic Azad University, North Branch, Iran

² Associate Professor, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran

³ Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Hamadan Branch, Iran

⁴ Assistant Professor, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received 2021-08-13

Accepted 2021-11-24

Keywords:

Cultural Zone

ISM

MICMAC

Sense of place

TOPSIS

ABSTRACT

In this research, the components of sense of place in the scientific-cultural sub-zone of the Darvazeh Dowlat to Enghelab Square in the center of Tehran have been explained. Physical characteristics, social classes of residents, users of space, natural features, traffic axes and streets in this area affect the components of sense of place; Therefore, the type of attention and priority given to each component is very important for urban planning and design policy makers in order to promote a sense of place.

In this study, prioritization of attention to the components of sense of place based on the views of experts on the place in the scientific-cultural axis of Darvazeh Dowlat to Enghelab square as one of the components of Tehran cultural zone using a combination of three models Structural-analytical, Mic Mac and Topsis have been performed. The results of the interpretive-structural model (ISM) in 5 stages showed that the index of defining the territory as the most important component of the sense of place was determined based on the output of the first stage Delphi questionnaire from the perspective of urban planning and design experts. In explaining the indicators of sense of place in the cultural zone of Tehran, three categories of indicators "effective", "dependent", "independent" can be identified and "linked" index was not identified. In order to provide suggestions and determine the priority of improving the sense of place components in the scientific-cultural axis of Darvazeh Dowlat to Enghelab square, the results of ISM-MICMAC-TOPSIS analysis model were used and it was found that in this zone, improving indicators of sense of belonging, benefit Facilities and the level of Satisfaction of the street wall in order to enhance the sense of place are prioritized.

DOI: [10.22034/UE.2022.2.04.10](https://doi.org/10.22034/UE.2022.2.04.10)

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Ahmadinezhad F, Bandarabad A, Piri S, Modiri A. (2022). Explaining the components of the sense of place in the cultural zone of Tehran Case study: Scientific-cultural axis of Darvazeh Dowlat - Enghelab Square. *Urban Economics and Planning*, 2(2): 391-409.

DOI: [10.22034/UE.2022.02.04.10](https://doi.org/10.22034/UE.2022.02.04.10)



*Corresponding Author: Email: bandarabad@iauctb.ac.ir

فصلنامه اقتصاد و برنامه ریزی شهری

سایت نشریه: <http://eghtesadeshahr.tehran.ir>

مقاله پژوهشی

تبیین مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران مورد مطالعه: محور علمی- فرهنگی دروازه دولت- میدان انقلاب

فرشته احمدی نژاد^۱، علیرضا بندرآباد^۲، سعید پیری^۳، آتوسا مدیری^۴

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۳ استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

^۴ استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده:

در این پژوهش مؤلفه‌های حس مکان در زیرپهنه علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب در مرکز تهران تبیین شده‌اند. ویژگی‌های کالبدی، طبقات اجتماعی ساکنان، استفاده‌کنندگان از فضا، ویژگی‌های طبیعی، محورهای ترافیکی و خیابان‌ها در این پهنه بر مؤلفه‌های حس مکان تأثیرگذار هستند. بنابراین، نوع توجه و اولویت دادن به هر مؤلفه برای سیاست‌گذاران برنامه‌ریزی و طراحی شهری به منظور ارتقای حس مکان اهمیت زیادی دارد. اولویت‌بندی توجه به مؤلفه‌های حس مکان بر اساس دیدگاه متخصصان از یکسو و استفاده‌کنندگان از فضا از سوی دیگر، در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب به عنوان یکی از اجزای پهنه فرهنگی تهران با استفاده از ترکیب سه مدل تفسیری- ساختاری (ISM)، میک مک و تاپسیس انجام گرفته است. نتایج خروجی مدل تفسیری- ساختاری (ISM) در ۵ مرحله نشان داد شاخص میزان تعریف قلمرو به عنوان مهم‌ترین مؤلفه حس مکان بر مبنای خروجی پرسشنامه مرحله اول دلفی از دید خبرگان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی و طراحی شهری تعیین شد. در تبیین شاخص‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران و بر اساس خروجی مدل میک مک سه دسته شاخص «اثرگذار»، «وابسته»، «مستقل» قابل شناسایی است و شاخص «پیوندی» شناسایی نشد. به‌منظور ارائه پیشنهادها و تعیین اولویت توجه به بهبود مؤلفه‌های حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب، از ترکیب نتایج سه مدل ISM-MICMAC-TOPSIS استفاده شد و مشخص شد در پهنه مطالعه‌شده، بهبود شاخص‌های میزان حس تعلق، میزان بهره‌مندی از تسهیلات و میزان رضایت از جداریه خیابان به منظور ارتقای حس مکان در اولویت قرار دارند.

DOI: 10.22034/UE.2022.02.04.10

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

کلمات کلیدی:

پهنه فرهنگی

تاپسیس

تحلیل ساختاری-تفسیری

حس مکان

میک مک

مقدمه

مطالعات مربوطه سعی در ارتقای حس مکان بین مردم دارند. تهران در مقایسه با بسیاری از شهرهای کشور، شهری جوان و در عین حال دارای ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی است. مهاجرت، تفاوت و قطب‌بندی اجتماعی میان مناطق شمالی و جنوبی تهران از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این شهر است. از این‌رو، ایجاد حس مکان و شکل‌گیری روابط اجتماعی در این کلان‌شهر با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو بوده و نگاه جزءنگر و مدرنیستی شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری باعث کاهش حس تعلق

طی سه دهه گذشته، حس مکان یک موضوع جذاب آکادمیک در بین خیلی از رشته‌های علمی مانند جغرافیا، حفاظت تاریخی، علوم اجتماعی، هنر ترکیبی و حرفه طراحی بوده است و به دلیل اینکه از بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اهمیت فراوانی دارد، بسیاری از نویسندگان مسئول:

ایمیل: bandarabad@iauctb.ac.ir

پیشینه تحقیق

مکان

مکان یکی از موضوعات مهم در مطالعات جغرافیایی است که تعدد نظرات و دیدگاه‌ها در این خصوص سبب شده است که پیچیدگی خاصی در این موضوع به وجود آید. مکان بخشی از فضا است که ساکنانش به تدریج آن را به خود اختصاص داده و در آن ساکن می‌شوند (مارتیکو^۴، ۲۰۱۴). معمولاً به عنوان یک مکان شهری، کلان‌شهر، محله و خانه بر سطح زمین شناخته می‌شود. مکان می‌تواند توسط ویژگی‌های منحصربه‌فرد محسوس و نامحسوس تعریف شود، زیرا فقط شامل عناصر کالبدی نیست، بلکه شامل ارتباطات و احساساتی است که در ما وجود دارد، زمانی که ما یک فضای خاص را می‌بینیم و یا چیزی می‌شنویم. بنابراین، اصطلاحاتی مانند حس مکان و یا تعلق به مکان، مربوط به روابط پیچیده‌ای است که بین انسان‌ها و محیطشان شکل می‌گیرد (قاضیمی^۵، ۲۰۱۴).

مکان زمینه‌ای از فعالیت‌ها است و عموماً یک هویت شناختی دارد. همچنین، مکان دربرگیرنده دنیاهای اجتماعی متنوع و تاریخی دارد که گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می‌دهد (پرتوی، ۱۳۹۲). حس مکان، مفهومی چندوجهی و چندرشته‌ای است که در سطوح گوناگون تعاریف متفاوتی دارد و بیشتر آن را مثبت و نیرومند می‌دانند.

حس مکان

اصطلاح حس مکان، وابستگی‌های مردم و پیوستگی آن‌ها با مکان‌هایشان و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند در بر می‌گیرد (عارفی^۶، ۱۹۹۹). حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به مکان می‌شود. روند تجربه عمیق مکان، نه به عنوان یک شیء بلکه به عنوان یک ارگانیسم زنده است که بعد از انطباق‌های متقابل پی‌درپی محقق می‌شود. از این‌رو، روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط این ویژگی‌ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می‌کند (فلاحت، ۱۳۸۴). اهمیت حس مکان در حدی است که حتی مکان‌های تجاری و بازارها هم اگر حس مکان را در بین مردم ایجاد کنند، می‌توانند از شکوفایی برخوردار شوند (ابقاپار^۷، ۲۰۱۸).

آلتمن و لاو^۸ (۱۹۹۲) دلبستگی به مکان را به عنوان یک بعد احساسی و هیجانی (معمولاً مثبت) بین افراد یا گروه‌ها با محیطشان تعریف می‌کنند (مسترسون^۹، ۲۰۱۷).

دلبستگی به مکان عموماً اشاره به پیوندهای عاطفی مردم به یک مکان خاص دارد که ظرفیت‌های مکانی و دسترسی به خدمات در شکل‌گیری آن نقش مهمی دارند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین،

مخاطب و به دنبال آن کاهش سرزندگی این شهر شده است (پیریایی و همکاران، ۱۳۹۸). برنامه‌ریزی‌های شهری با نگاهی فقط کالبدی و تزیینی نه تنها خیابان‌ها و فضاهای شهری را به محورهای ترافیکی تبدیل کرده، بلکه فرصت مکث و تعامل اجتماعی را از شهروندان دریغ کرده و نبود ارتباط معنایی در طراحی و برنامه‌ریزی‌ها باعث از دست رفتن حس تعلق شهروند تهرانی به این فضاها شده و هویت تهران رو به زوال است.

از طرفی، در طرح جامع توسعه فضاهای فرهنگی تهران محدوده‌ای تحت عنوان «پهنه فرهنگی معین‌شده که هدف از آن ترسیم چشم‌انداز توسعه فضاهای فرهنگی در سازمان فضایی شهر تهران، برای افق زمانی سال ۱۴۰۴» است. بررسی طرح نشان می‌دهد تعریف طرح‌های موضعی و موضوعی که در زیرپهنه‌های این طرح انجام شده بدون تبیین مؤلفه‌های حس مکان شکل گرفته است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه افق این طرح سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده، به نظر می‌رسد اجرای طرح به اهداف خود تا آن زمان نخواهد رسید. در این پژوهش مؤلفه‌های حس مکان در زیرپهنه علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب در مرکز تهران تبیین شده‌اند. ویژگی‌های کالبدی، طبقات اجتماعی ساکنان، استفاده‌کنندگان از فضا، ویژگی‌های طبیعی، محورهای ترافیکی و خیابان‌ها در این پهنه بر مؤلفه‌های حس مکان تأثیرگذارند. بنابراین، نوع توجه و اولویت دادن به هر مؤلفه برای سیاست‌گذاران برنامه‌ریزی و طراحی شهری به منظور ارتقای حس مکان باید اولویت‌بندی شود. در این راستا، ضرورت دارد پهنه فرهنگی تهران و طرح‌های الگویی موجود در بطن آن با یک نگاه جامع و چندبعدی بر اساس مؤلفه‌های حسی آن مکان‌ها بررسی شوند تا برنامه‌ریزان و مدیران شهری ضمن آگاهی از میزان شکاف دیدگاه و تصویر ذهنی خود با ذی‌نفعان گوناگون طرح، راهبردهای مناسب را برای به‌کارگیری به منظور ایجاد حس مکانی مطلوب‌تر را طراحی کنند. برای تبیین مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران موارد ذیل مورد توجه قرار گرفته‌اند:

الف) مؤلفه‌های حس مکان از دیدگاه برنامه‌ریزان و طراحان شهری در پهنه فرهنگی تهران

ب) مؤلفه‌های حس مکان از دیدگاه استفاده‌کنندگان از فضا غیر از ساکنان محدوده پهنه فرهنگی

ج) مؤلفه‌های حس مکان از دیدگاه ساکنان محدوده پهنه فرهنگی در این راستا، هدف کلیدی این پژوهش، اولویت‌بندی توجه به مؤلفه‌های حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب به عنوان یکی از زیرپهنه‌های کلیدی پهنه فرهنگی تهران بوده که با استفاده از ترکیب نتایج سه مدل تفسیری- ساختاری (ISM)^۱، میک مک^۲ و تاپسیس^۳ بر اساس دیدگاه متخصصان شهری از یک‌سو و ساکنان و استفاده‌کنندگان از فضای شهری این محدوده از سوی دیگر انجام شده است.

1. Interpretive Structural Modeling (ISM)

2. Micmac

3. Topsis

4. Marticco

5. Qazimi

6. Arefi

7. Abdghapar

8. Low & Altman

9. Masterson

هرناندز و همکاران، ۲۰۱۰). برخی صاحب‌نظران معتقدند حس مکان دربرگیرنده سه مؤلفه است؛ هویت مکان، دل‌بستگی به مکان و وابستگی به مکان (لورگنسن و استیدمن^{۱۱}، ۲۰۰۶). کرمونا^{۱۲} خصوصیات مکان‌های عمومی موفق که منجر به ایجاد احساسات و دل‌بستگی به مکان می‌شود را در داشتن آسایش و تصویر ذهنی^{۱۳}، دسترسی و پیوستگی، تنوع فعالیت‌ها و معاشرت‌پذیری می‌داند (کرمونا، ۲۰۱۰). به عقیده شولتز، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که شخصیت مشخص و متمایز دارند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت، رنگ، مقیاس، تنوع، چشم‌انداز و برجستگی است (شولتز، ۱۳۹۲).

آریفیدودو و چاندراسیری^{۱۴} (۲۰۱۳)، رابطه بین مسکن، حس مکان و شیوه‌های مدیریت محیط زیست را در دو جامعه اجاره‌نشین در بانکوک، تایلند، بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به مطالعه توسعه حس مکان در میان اجاره‌نشینان پرداختند و نتیجه مطالعه آن‌ها نشان داد اجاره‌نشینی در میزان حس مکان مؤثر است. رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر مقیاس مکانی بر دل‌بستگی ساکنان به مکان در محلات مرکزی شهر تبریز را ارزیابی کردند. آن‌ها به دو روش کیفی و کمی شامل ترسیم نقشه شناختی و پیمایشی، ساکنان محله تاریخی سرخاب شهر تبریز را مطالعه کردند و نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد دل‌بستگی مالکان به مکان در محله سرخاب تبریز بیشتر از مستأجران بوده است.

حیدری و همکاران (۱۳۹۳) شیوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دل‌بستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و پیمایشی دو نمونه خوابگاه ارم و خوابگاه قدس از مجموعه دانشگاه شیراز را بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد عامل زمان در ارتباط با خلق حس مکان، کمترین درجه اهمیت را دارد. این در حالی است که در شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان، این عامل بعد از عوامل کالبدی، بالاترین درجه اهمیت را دارد.

به طور کلی، پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص موضوع حس مکان را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم کرد: دسته نخست منابع و پژوهش‌هایی که به تعریف و چستی حس مکان و بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. دسته دوم، پژوهش‌هایی هستند که در آن به چگونگی رابطه میان حس مکان و موضوعات و مفاهیم دیگر و دستیابی به راهکارهای ارتقای آن‌ها پرداخته شده است. در این میان، می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که حس مکان را به عنوان ساختاری چندبعدی شامل ابعاد شناختی (هویت)، عاطفی (تعلق) و رفتاری (وابستگی) در نظر گرفته‌اند و دسته سوم نیز پژوهش‌هایی هستند که به مقایسه حس مکان میان دو یا چند گروه از افراد و یا مکان‌ها پرداخته‌اند (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸).

دل‌بستگی یا تعلق به مکان به عنوان یک بعد عاطفی از حس مکان، به یک رابطه نمادین بین مکان و مردم اشاره دارد (پولاداشویلی^{۱۵}، ۲۰۱۵). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (پیرپایی و همکاران، ۱۳۹۸).

پیشینه تجربی

در خصوص تحقیقات صورت‌گرفته در زمینه حس مکان، حس تعلق و دل‌بستگی مکانی باید گفت که تا پیش از دهه ۱۳۷۰ میلادی و در مطالعات انجام‌شده در زمینه رابطه انسان و محیط، عملاً به انگاره تعلق و دل‌بستگی به مکان توجه نشده، اما پس از آن تحقیقات مختلفی در این زمینه انجام شده است (جعفری‌پور و فروتن، ۱۳۹۴). در رشته‌های مختلفی همچون جغرافیا، جامعه‌شناسی و معماری منظر سعی در سنجش ارتباط مکان و فرد و نتایج آن در رفتار انسان‌ها کردند و در این رابطه مفاهیمی چون دل‌بستگی به مکان (مانزو^{۱۶}، ۲۰۰۳)، دل‌بستگی اجتماعی، حس مکان (توان^{۱۷}، ۱۹۷۴)، همبستگی اجتماعی، وابستگی به مکان (ویلیامز^{۱۸}، ۱۹۹۵)، هویت مکان (پروشانسکی^{۱۹}، ۱۹۷۸)، تعلق و ریشه‌داری (توان، ۱۹۸۰) را تبیین کردند. عشق به مکان بخش مشترک تاریخ و فرهنگ انسان است. هر چند دانشمندان رفتاری فقط در اواسط دهه ۱۹۹۰ بود که ارتباطات انسان-مکان را به صورت نظام‌مند بررسی کردند (مانزو و رایت^{۲۰}، ۲۰۱۷).

براون^{۱۶} و همکاران به تحقیق درباره دل‌بستگی به مکان در جوامعی که بر اساس جنبش شهرسازی نوین طراحی شده‌اند، پرداختند (براون و همکاران، ۲۰۰۴). گوستافسون^{۱۷} در سال ۲۰۰۶ با رویکردی جامعه‌شناسی به پژوهش در زمینه قدرت تحرک و دسترسی به حس تعلق و دل‌بستگی مکانی پرداخته است (گوستافسون، ۲۰۰۶). بیدلر^{۱۸} (۲۰۰۷)، حس مکان و نوشهرگرایی را با هدف شناخت جامع از مکان و فرم، با استفاده از روش پدیدارشناسی وجودی در دهکده تامس کرک^{۱۹} ویرجینیای ایالات متحده مطالعه کرد. وی با مقایسه جوامع مدرن و سنتی به این نتیجه رسید که ریشه‌داری تأثیر مثبتی بر توسعه حس مکان داشته است. هرناندز^{۲۰} در سال ۲۰۱۰ با ارائه یک چهارچوب مفهومی متشکل از انسان، فرایند و مکان به بررسی و ارزیابی حس تعلق و دل‌بستگی به مکان پرداخته‌اند

- 10 . Poladashvili
- 11 . Manzo
- 12 . Tuan
- 13 . Williams
- 14 . Proshansky, 1978
- 15 . Manzo & Wright
- 16 . Brown
- 17 . Gustafson
- 18 . Beidler
- 19 . Toms Kirk
- 20 . Hernandez

21 . Jorgensen & Stedman

22 . Carmona

23 . Mental Image

24 . Arifwidodo & Chandrasiri

جدول ۱. مؤلفه‌ها و معیارهای حس مکان

مؤلفه حس مکان	نظرات برگرفته شده	شاخص‌های مؤثر حس مکان
ادراک معنایی	(پانتر ^۱ ، ۱۹۹۱)	میزان آرامش در فضا
	(ژو ^۲ ، ۲۰۱۷)	میزان حضورپذیری
	(جان لنگ، ۱۳۹۳)	میزان درگیری عواطف
	(یوجانگ ^۳ ، ۲۰۱۲)	میزان حس تعلق
	(فلاح و همکاران، ۱۳۹۶)	میزان امنیت
عملکردی	(کانتر ^۴ ، ۱۹۷۷)	میزان تعریف قلمرو
	(شامای ^۵ ، ۱۹۹۱)	میزان توجه به گذران اوقات فراغت
	(پانتر، ۱۹۹۱)	میزان رضایتمندی
	(کراس ^۶ ، ۲۰۰۱)	میزان پاسخ‌دهی به نیازها
	(سالوسون ^۷ ، ۲۰۰۲)	
	(کرمونا، ۱۳۹۴)	
	(فلاح، ۲۰۱۶)	میزان درگیری احساسات
	(میرغلامی، ۲۰۱۶)	
	(ریتا، ۲۰۲۰)	
	کالبدی	(استیل ^۸ ، ۱۹۸۱)
(سالوسون، ۲۰۰۲)		میزان بهره‌مندی از تسهیلات
(شولتز، ۱۳۹۲)		میزان رضایت از جداره
(فلاح و همکاران، ۱۳۹۶)		میزان نشانه‌گذاری
(میرغلامی، ۲۰۱۶)		میزان محصوریت کالبدی
	(ریتا، ۲۰۲۰)	میزان تعریف تباین فضایی

۱. Panter
۲. Zhu et al.
۳. Ujang
۴. Mirgholami
۵. Rita
۶. Canter
۷. Shamai
۸. Cross
۹. Salvesen
۱۰. Steele

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چهارچوب نظری

شامل جنبه‌های مختلف حضور، مشارکت، برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است. حیطة فرمی کالبدی به چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی در تقویت حس تعلق به مکان، استفاده از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم و جنایت، کیفیت مناسب، تراکم مناسب و طراحی آگاهانه محیط

به صورت کلی، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت حس مکان را می‌توان در سه حیطة عملکردی فعالیتی (رفتاری)، فرمی کالبدی و ادراکی احساسی (عاطفی) دسته‌بندی کرد. حیطة عملکردی فعالیتی که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان تأکید می‌کند

حد فاصل دو پهنه تاریخی ری در جنوب و شمیرانات در شمال، حوزه میانی شهر تهران شکل گرفته که حاصل توسعه شهر در سه دوره تاریخی صفوی، قاجاری و معاصر است. حوزه میانی تهران از بیلاقتات شمالی، (شمیرانات) به موازات دو خیابان ولی عصر (عج) و شریعتی در محدوده‌ای در حد فاصل دو رود دره دارآباد (بزرگراه‌های صیاد شیرازی - امام علی^(ع)) و خاوران) و درکه (بزرگراه‌های چمران - نواب - تندگوبان) تا منطقه شهر ری بسط یافته است که متشکل از سه پهنه شمالی، مرکزی و جنوبی است. بر اساس نقشه زیر و طرح راهبردی- ساختاری تهران ۷ پهنه در طرح جامع توسعه فضاهای شهری تهران به شرح ذیل وجود دارد:

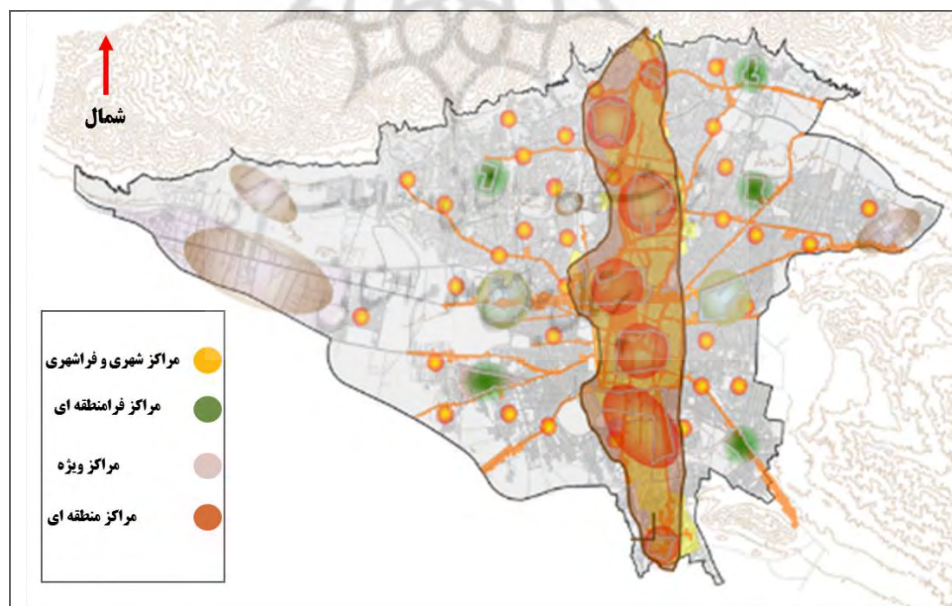
- ۱- مرکز تفرجگاهی تجریش (میدان تجریش، قدمگاه صالحیه)
 - ۲- مرکز رسانه‌ای - هنری تهران (محل نمایشگاه بین‌المللی)
 - ۳- مرکز اجتماعی - فرهنگی تهران (تپه‌های عباس‌آباد و مصلی)
 - ۴- مرکز فعالیت نوین شهر تهران (با محوریت دانشگاه تهران)
 - ۵- مرکز فعالیت تجاری- تاریخی (بازار تهران و محدوده پیرامون)
 - ۶- مرکز اقتصاد جهانی (با محوریت اراضی راه آهن و قلعه مرغی)
 - ۷- مرکز تاریخی - مذهبی ری (با محوریت حرم عبدالعظیم حسنی)
- استقرار این هفت مرکز در حوزه میانی و در امتدادی شمالی - جنوبی مهم‌ترین و عمده‌ترین پهنه‌ها و مراکز فعالیتی تهران را در بر می‌گیرد و از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بسیار زیادی برای استقرار و توسعه فضاهای فرهنگی در مقیاس کلان‌شهر تهران به شمار می‌رود. بر این اساس، طرح‌های الگویی در نظر گرفته شده برای توسعه فرهنگی شهر که متشکل

خلاصه می‌شود. همچنین، حیطه معنایی ادراکی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی بر کیفیت ادراکی فضای معماری و در نهایت، شکل‌گیری و ارتقای حس مکان مؤثرند. در این راستا، با انتخاب زمینه کالبدی مطالعات حس مکان، برای استخراج مدل تحلیلی پژوهش، ابتدا، معیارهای کالبدی سنجش حس مکان بررسی شد. به این ترتیب که ویژگی‌های فرمی و زیبایی‌شناسی مؤلفه کالبدی حس مکان تحت عنوان «مؤلفه کالبدی زیبایی‌شناسی»، ویژگی‌های عملکردی و فعالیتی مؤلفه کالبدی حس مکان تحت عنوان «مؤلفه کالبدی- عملکردی»، و ویژگی‌های معنایی و ادراکی مؤلفه کالبدی حس مکان تحت عنوان «مؤلفه کالبدی- معنایی» دسته‌بندی شدند و سپس، زیرمعیارهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها استخراج شد. جدول ۱ مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و معیارهای حس مکان را نشان می‌دهد.

مواد و روش‌ها

معرفی محدوده مطالعه شده

پهنه فرهنگی شهر تهران به صورت دقیق در طرح‌ها و اسناد بالادست مشخص نشده است. تمامی اسناد مطالعاتی شهر تهران که حدود ۱۵۰ سند است، برای شناسایی پهنه فرهنگی بررسی شد. بر این مبنا، مهم‌ترین سند فرادست شهر تهران که براساس آن می‌توان پهنه فرهنگی را مشخص کرد، طرح توسعه فضاهای فرهنگی بود. این طرح بر مبنای طرح راهبردی - ساختاری شهر تهران و با توجه به نظام پهنه‌بندی تهیه شده است. در



شکل ۱. سلسله‌مراتب مراکز شهری و محدوده پهنه فرهنگی تهران
 مأخذ: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی تهران، ۱۳۹۰

در این پژوهش با استفاده از تحلیل تفسیری- ساختاری (ISM) روابط علی- معلولی بین مؤلفه‌های حس مکان در محدوده مطالعه شده مشخص شده و در ادامه، با استفاده از نرم‌افزار میک مک، شدت روابط بین متغیرها محاسبه می‌شود. در مرحله بعد، به منظور تعیین وضعیت هر یک از مؤلفه‌های حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب نیز از مدل تاپسیس استفاده می‌شود. در نهایت نیز برای تعیین اولویت توجه به مؤلفه‌های حس مکان از نتایج ترکیب تحلیل ساختاری تفسیری (ISM)- میک مک- تاپسیس وضعیت معیارهای مختلف در مشخص می‌شود. شکل ۴ فرایند تحلیل و روش‌های استفاده شده در پژوهش را نشان می‌دهد.

فرایند ترسیم شده در ادامه تشریح شده است.

مرحله اول: بررسی رابطه بین متغیرها و شاخص‌های حس مکان

به منظور تحلیل مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران و با توجه به تعدد و فراوانی معیارها و شاخص‌های مداخله‌گر و مؤثر که دارای روابط علی- معلولی هستند، باید این روابط بررسی و تجزیه و تحلیل شوند. یکی از ابزارهای مناسب برای این منظور، استفاده از روش تحلیل تفسیری ساختاری است که مراحل انجام آن در بخش‌های قبل توضیح داده شد. ورودی برای این کار، استفاده از پرسشنامه است که تمام مؤلفه‌های حس مکان در آن آورده می‌شود و از خبرگان خواسته می‌شود روابط بین متغیرها را تعیین کنند. تمام پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شده و در نرم‌افزار اکسل روابط بین آن‌ها بر اساس مراحل روش تحلیلی ساختاری تجزیه و تحلیل می‌شود.

از ۱۴ محدوده و زیرپهنه بوده و محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب نیز در آن مشخص شده است.

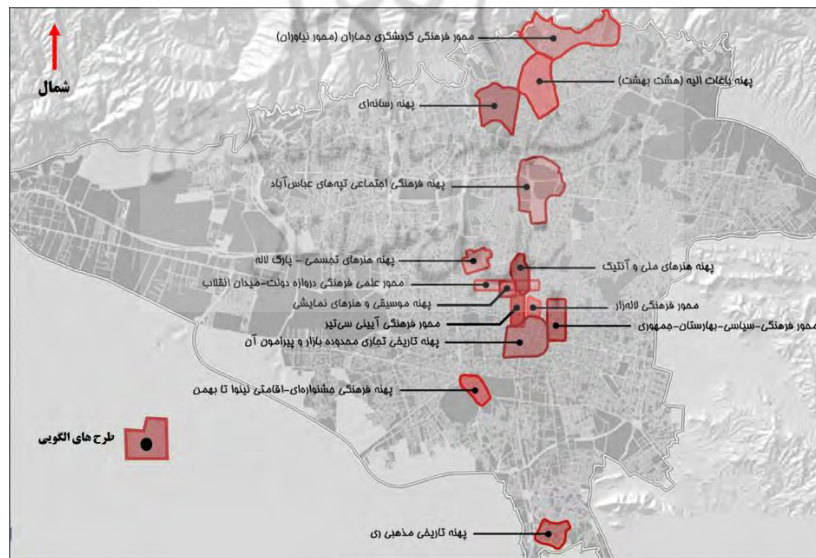
محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب که از شرق تا دروازه دولت و از غرب تا میدان انقلاب قابل شناسایی است، در لبه پیرامونی دارای مراکز آموزش عالی متعددی مانند دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه هنر، دانشگاه تهران، دانشکده دامپزشکی، مدرسه تاریخی البرز و بسیاری دیگر از مراکز علمی و فرهنگی و هنری مانند سینماها، پارک دانشجو و سالن تئاتر شهر، مؤسسه‌های چاپ و انتشاراتی قدیم و جدید و نیز بیشترین تعداد کتابفروشی‌ها و آموزشگاه‌های عمومی و تخصصی است که تا کنون در تاریخ شهر تهران و کشور ایران در یک پهنه محوری و راسته‌ای در یک ارتباط عملکردی کلان به صورت هم‌جوار فعالیت کرده‌اند. این محور را می‌توان کلان‌ترین محور تلفیقی دانش و فرهنگ و هنر در دوران مدرن در ایران دانست که از این نظر واجد ارزش و اهمیت تاریخی درخور توجهی است.

روش کار

این پژوهش در دسته پژوهش‌های اکتشافی قرار می‌گیرد؛ به این مفهوم که با توجه به ویژگی‌های کلان‌شهر تهران از منظر کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و... مؤلفه‌های حس مکان را سطح‌بندی و اولویت‌گذاری می‌کند؛ و با توجه به همپوشانی انواع پژوهش‌ها می‌توان آن را در دسته پژوهش‌های موردنگاری^{۲۵} و پژوهش میدانی^{۲۶} نیز قرار داد.

25 . Single Case Study

26 . Field Study

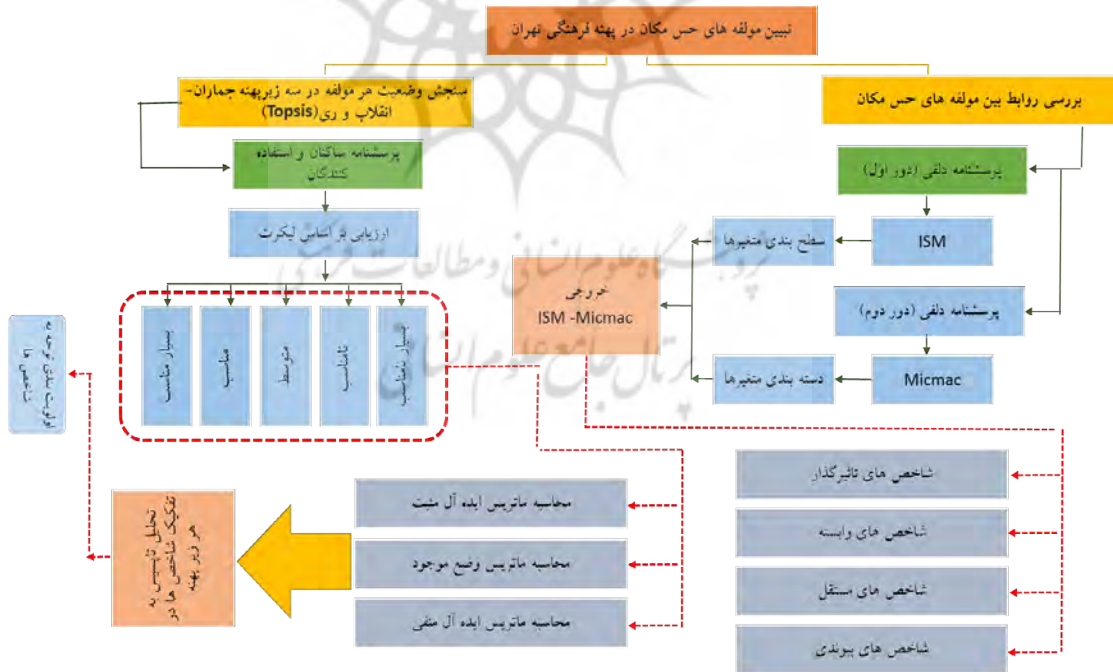


شکل ۲. زیرپهنه‌ها در طرح جامع فضاهای فرهنگی تهران

مأخذ: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی تهران، ۱۳۹۰



شکل ۳. محور علمی فرهنگی دروازه دولت- میدان انقلاب
 مأخذ: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی تهران، ۱۳۹۰



شکل ۴. فرایند تحلیل پژوهش
 مأخذ: نگارندگان

بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها دارند و پس از آن، شاخص‌های پیوندی، مستقل و وابسته قرار می‌گیرند.

بر اساس نتایج مدل تاپسیس به تفکیک شاخص‌ها، هر چه وضعیت یک شاخص نامناسب‌تر باشد، آن شاخص در اولویت بهبودبخشی و ارتقای سطح قرار می‌گیرد.

بنابراین، اولویت‌بندی شاخص‌ها بر اساس تحلیل ISM-MICMAC و مدل تاپسیس مشخص می‌شود.

یافته‌ها

در این پژوهش با بررسی ادبیات مختلف در رابطه با حس مکان در سطح ایران و جهان، شاخص‌ها و مؤلفه‌ها استخراج شد. به منظور تحلیل متغیرهای حس مکان و با توجه به تعدد و فراوانی معیارها و شاخص‌های مداخله‌گر و مؤثر که روابط علی- معلولی دارند، باید این روابط بررسی و تجزیه و تحلیل شوند. یکی از ابزارهای مناسب برای این منظور، استفاده از روش تحلیل تفسیری ساختاری (ISM) است که مراحل آن به در ادامه تشریح شده است.

الف- سطح‌بندی مؤلفه‌های حس مکان با استفاده از تحلیل ساختاری-تفسیری (ISM)

برای سطح‌بندی مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران از تحلیل تفسیری- ساختاری (ISM) استفاده شد. فرایند استفاده از تحلیل ساختاری- تفسیری در چند مرحله انجام می‌گیرد.

مرحله اول: نام‌گذاری متغیرها

به منظور راحتی کار و سهولت در تکمیل و توزیع پرسشنامه‌ها ابتدا متغیرهای پژوهش از D1 تا D16 نام‌گذاری می‌شوند.

مرحله دوم: نظرسنجی از خبرگان

به منظور دقت بیشتر در ورودی‌های تحلیل تفسیری- ساختاری (ISM) از پرسش‌نامه دلفی استفاده می‌شود. با توجه به اینکه نمونه موردی انتخاب‌شده در این پژوهش که پهنه فرهنگی تهران است، با ۵۰ نفر از کارشناسان درباره همکاری برای سنجش روابط دودویی بین شاخص‌ها مذاکره شد و در نهایت، ۳۹ نفر حاضر به همکاری در تکمیل پرسش‌نامه دلفی شدند. این خبرگان را به‌طور کلی کارشناسان و مدیران شهرداری و صاحب‌نظران و متخصصان شهری تشکیل می‌دهند. پس از توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌های به‌دست‌آمده در نرم‌افزار میک مک وارد و سطح پایایی آن اندازه‌گیری شد که ۲۴ پرسشنامه دارای پایایی مورد قبول در بین آن‌ها قرار داشت. با توجه به استاندارد استفاده از نظرات متخصصان در پژوهش‌های اجتماعی این تعداد نفر قابل قبول به نظر می‌رسد.

در مرحله بعد به منظور جمع‌بندی نظر کارشناسان برای هر یک از روابط دودویی برای ورود داده‌ها به مدل از شاخص نما استفاده شد که

با استفاده از تحلیل تفسیری- ساختاری روابط علی- معلولی بین مؤلفه‌های حس مکان مشخص شده و در ادامه با استفاده از نرم‌افزار میک مک شدت روابط بین متغیرها محاسبه می‌شود.

مرحله دوم: تحلیل میک مک

با استفاده از تحلیل تفسیری- ساختاری روابط علی- معلولی بین مؤلفه‌های حس مکان مشخص شده، اما با توجه به اینکه اوزان اختصاصی در مدل ISM به صورت صفر و یک و در مقیاس اسمی است، این مدل فقط می‌تواند وجود داشتن یا نداشتن رابطه به دو متغیر یا شاخص را مشخص کند، اما از تعیین شدت رابطه بین دو متغیر عاجز است. بر این اساس، از تحلیل میک مک استفاده می‌شود. برای این منظور، همان پرسشنامه قبلی به همراه نتایج کلی دوباره به خبرگان داده می‌شود (پرسشنامه دلفی مرحله دوم) و از آن‌ها خواسته می‌شود شدت روابط بین متغیرها را تعیین کنند. بنابراین، در مواردی که بین دو متغیر رابطه وجود دارد (سلول مورد نظر عدد یک را به خود اختصاص داده است)، شدت این رابطه نیز بر اساس مفاهیم زیر تعیین شود.

عدد ۰ = نبود تأثیر^{۲۷}

عدد ۱ = رابطه ضعیف^{۲۸}

عدد ۲ = رابطه متوسط^{۲۹}

عدد ۳ = رابطه قوی^{۳۰}

خروجی این دو مرحله منتج به تعیین متغیرهای تأثیرگذار، وابسته، پیوندی و مستقل می‌شود و همچنین، متغیرها سطح‌بندی می‌شوند.

مرحله سوم: بررسی وضعیت هر مؤلفه در زیرپهنه‌های فرهنگی تهران با استفاده از تکنیک تاپسیس

برای سنجش وضع هر یک از مؤلفه‌های حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب، پرسشنامه مرتبط تهیه شده و برای ارزیابی دقیق هر مؤلفه از طیف لیکرت پنج‌گانه استفاده شده است که در آن عدد ۱ نشان‌دهنده وضعیت بسیار نامناسب، عدد ۲ نشان‌دهنده وضعیت نامناسب، عدد ۳ نشان‌دهنده وضعیت متوسط، عدد ۴ نشان‌دهنده وضعیت مناسب و عدد ۵ نشان‌دهنده وضعیت بسیار مناسب است. عدد نهایی تاپسیس در این فرایند بر اساس توضیحات ارائه‌شده در بخش قبل محاسبه می‌شود.

مرحله چهارم: اولویت‌بندی توجه به شاخص‌های حس مکان

به منظور ارائه پیشنهادها و تعیین اولویت توجه به مؤلفه‌های حس مکان، از نتایج سه مدل تحلیل ISM-MICMAC و تاپسیس به شرح زیر استفاده می‌شود.

بر اساس تحلیل ISM-MICMAC شاخص‌های تأثیرگذار اهمیت

27 . No Influence.

28 . Weak.

29 . Moderate Influence.

30 . Strong Influence.

جدول ۲. نام‌گذاری مؤلفه‌های مؤثر بر حس مکان

مؤلفه	علامت اختصاری
میزان آرامش در فضا	D1
میزان حضورپذیری	D2
میزان درگیری عواطف	D3
میزان حس تعلق	D4
میزان امنیت	D5
میزان تعریف قلمرو	D6
میزان توجه به گذران اوقات فراغت	D7
میزان رضایتمندی	D8
میزان پاسخ‌دهی به نیازها	D9
میزان درگیری احساسات	D10
میزان دلبستگی	D11
میزان بهره‌مندی از تسهیلات	D12
میزان رضایت از جداره	D13
میزان نشانه‌گذاری	D14
میزان محصوریت کالبدی	D15
میزان تعریف تباین فضایی	D16

مأخذ: نگارندگان

ساختاری را به‌صورت دودویی و به حالت صفر و یک تبدیل می‌کند که این محاسبات از طریق شرط‌های زیر حاصل می‌شود.

اگر رابطه بین دو متغیر V باشد؛ آن‌گاه $(j, i)=1$ و $(i, j)=0$
 اگر رابطه بین دو متغیر A باشد؛ آن‌گاه $(j, i)=0$ و $(i, j)=1$
 اگر رابطه بین دو متغیر X باشد؛ آن‌گاه $(j, i)=1$ و $(i, j)=1$
 اگر رابطه بین دو متغیر O باشد؛ آن‌گاه $(j, i)=0$ و $(i, j)=0$

بر این اساس، ماتریس دستیابی به شرح جدول ۴ محاسبه می‌شود.

مرحله پنجم: سطح بندی مؤلفه‌ها

در این مرحله، پس از محاسبه ماتریس دستیابی مجموعه عوامل ورودی، مجموعه عوامل خروجی و عناصر مشترک شناسایی می‌شوند. مجموعه ورودی برای یک شاخص شامل خود شاخص و سایر شاخص‌هایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند و مجموعه خروجی شامل خود شاخص و سایر شاخص‌هایی است که از آن تأثیر می‌پذیرند. بنابراین، مجموعه عناصر مشترک شامل آن دسته از عناصری است که هم در مجموعه ورودی و هم در مجموعه خروجی قرار دارند. به‌منظور تعیین روابط و سطح‌بندی معیارها از مقایسه عناصر خروجی و مشترک استفاده می‌شود، به‌گونه‌ای که در هر یک از شاخص‌ها که مجموعه عناصر خروجی و عناصر مشترک با یکدیگر همسان باشند، آن شاخص حذف

در برخی از روابط مشاهده شد که مد وجود ندارد. به همین دلیل، با تعداد ۱۳ کارشناس دیگر مذاکره شد و درنهایت، ۶ پرسش‌نامه قابل قبول دیگر نیز به ۲۴ پرسش‌نامه قابل قبول قبلی اضافه شد و داده‌های اولیه برای تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری بر اساس نظر ۳۰ کارشناس فراهم شد.

مرحله سوم: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

پس از جمع‌بندی نظرات کارشناسان و خبرگان بر اساس شاخص‌ها، ماتریس خودتعاملی نهایی از جمع‌بندی ۳۰ ماتریس خودتعاملی ساختاری به‌دست‌آمده از کارشناسان تدوین می‌شود. مفهوم روابط بین متغیرها در این ماتریس به شرح زیر است.

$V =$ اگر i روی j تأثیر بگذارد.

$A =$ اگر j روی i تأثیر بگذارد.

$X =$ اگر i روی j و j روی i تأثیر گذار باشد.

$O =$ اگر رابطه‌ای بین دو متغیر i و j وجود نداشته باشد.

مرحله چهارم: تشکیل ماتریس دستیابی

ماتریس دستیابی، روابط بین متغیرهای حاصل از ماتریس خودتعاملی

جدول ۳. ماتریس خودتعاملی ساختاری به صورت خلاصه شده

میزان تعریف تباین فضایی	میزان محصوریت کالبدی	میزان نشانه گذاری	...	میزان درگیری عواطف	میزان حضورپذیری	میزان آرامش در فضا	علامت اختصاری	شاخص
D_{16}	D_{15}	D_{14}	...	D_4	D_3	D_1		
۰	۷	۰	...	۷	۰		D_1	میزان آرامش در فضا
۰	۰	۰	...	۰			D_3	میزان حضورپذیری
۰	۰	۰	...				D_4	میزان درگیری عواطف

مأخذ: نگارندگان

جدول ۴. ماتریس دستیابی به صورت خلاصه شده

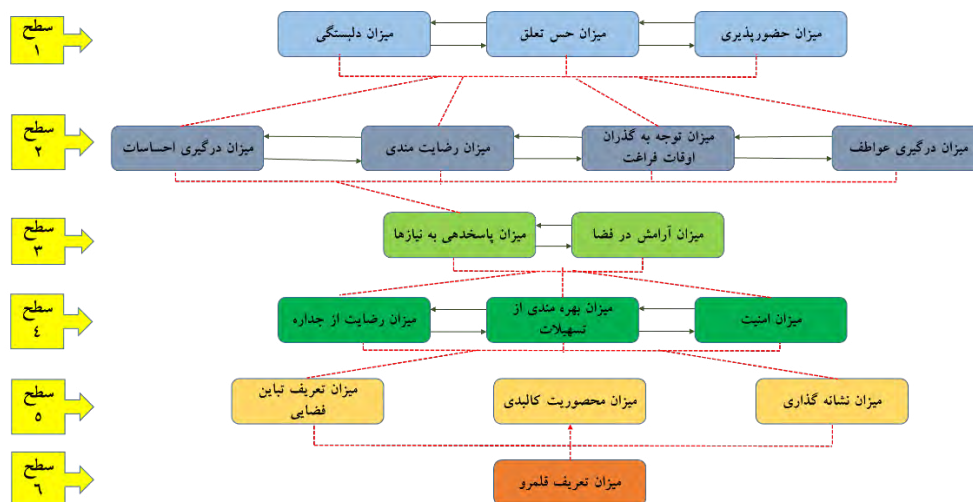
میزان تعریف تباین فضایی	میزان محصوریت کالبدی	میزان نشانه گذاری	...	میزان درگیری عواطف	میزان حضورپذیری	میزان آرامش در فضا	علامت اختصاری	شاخص
D_{16}	D_{15}	D_{14}	...	D_4	D_3	D_1		
۰	۰	۰	...	۱	۱	۱	D_1	میزان آرامش در فضا
۰	۰	۰	...	۱	۱	۱	D_3	میزان حضورپذیری
۰	۰	۰	...	۱	۱	۱	D_4	میزان درگیری عواطف

مأخذ: نگارندگان

میزان آرامش در فضا و میزان پاسخدهی به نیازها در سطح سوم، شاخص‌های میزان درگیری عواطف، میزان توجه به گذران اوقات فراغت، میزان رضایتمندی و میزان درگیری احساسات در سطح دوم و در نهایت، شاخص‌های میزان حضورپذیری، میزان حس تعلق و میزان دل‌بستگی در سطح اول قرار دارند. هر چه سطح شاخص بالاتر باشد، نشان‌دهنده اهمیت بیشتر و کلیدی‌تر بودن شاخص است که شاخص میزان تعریف قلمرو به عنوان مهم‌ترین مؤلفه حس مکان بر مبنای خروجی پرسش‌نامه مرحله اول دلفی از دید خبرگان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی و طراحی شهری تعیین شد. شکل ۵ سطح‌بندی مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

می‌شود و در بالاترین سطح قرار می‌گیرد (از مجموعه عناصر ورودی، خروجی و مشترک سایر شاخص‌ها نیز حذف می‌شود) و به همین صورت مدل دوباره اجرا می‌شود و این روند تا حذف تمامی شاخص‌ها ادامه می‌یابد. اجرای مدل نشان‌دهنده آن است که برای تکمیل مدل باید این مدل در ۵ دور اجرا شود تا سطح تمامی شاخص‌ها معین شود.

نتایج خروجی مدل تفسیری- ساختاری (ISM) در ۵ مرحله نشان داد شاخص میزان تعریف قلمرو در سطح ششم، شاخص‌های میزان نشانه‌گذاری، میزان محصوریت کالبدی، میزان تعریف تباین فضایی در سطح پنجم، شاخص‌های میزان امنیت، میزان بهره‌مندی از تسهیلات و میزان رضایت از جداره در سطح چهارم، شاخص‌های



شکل ۵. سطح‌بندی مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران

و تأثیرگذاری زیاد و تأثیرپذیری کم دارند. این دسته از شاخص‌ها را می‌توان «شاخص‌های اثرگذار» یا «شاخص‌های محرک» خواند.

دسته سوم: متغیرهایی که در ناحیه سوم محور مختصاتی قرار گرفته‌اند. این دسته از شاخص‌ها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ضعیفی دارند و ارتباط محدودی با سایر متغیرها و شاخص‌ها دارند که می‌توان این دسته از شاخص‌ها را «متغیرهای مستقل» نامید. تأثیرگذاری روی این شاخص‌ها به علت ارتباطات محدود با سایر متغیرهای درون سیستم بسیار مشکل است و برای اصلاح و بهبود آن‌ها باید به مواردی خارج از سیستم اندیشید و یا سطح خود شاخص و ارتباطات محدود آن را بهبود بخشید.

دسته چهارم: این دسته شامل متغیرهایی می‌شود که در ناحیه چهارم مختصاتی قرار گرفته‌اند که وابستگی زیاد و تأثیرپذیری کم دارند. این دسته از متغیرها را می‌توان «متغیرهای وابسته» نامید.

وضعیت هر شاخص با توجه به گراف و جدول قبل به شرح جدول ذیل است.

برای سنجش وضع موجود مؤلفه‌های حس مکان در محور علمی-فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب در هر یک از شاخص‌های حس مکان، پرسش‌نامه در بین ساکنان و استفاده‌کنندگان آن پهنه توزیع و تکمیل شد. این پرسش‌نامه‌ها برای ارزیابی دقیق بر اساس طیف لیکرت پنج‌گانه تنظیم شده‌اند که در آن عدد ۱ نشان‌دهنده وضعیت بسیار نامناسب، عدد ۲ نشان‌دهنده وضعیت نامناسب، عدد ۳ نشان‌دهنده وضعیت متوسط، عدد ۴ نشان‌دهنده وضعیت مناسب و عدد ۵ نشان‌دهنده وضعیت بسیار مناسب است. به منظور سنجش وضعیت شاخص‌های حس مکان در این پهنه با استفاده از فرمول کوکران و با سطح خطای ۰/۱ میزان اندازه نمونه ۹۶ نفر تعیین شد. بنابراین، این تعداد پرسشنامه از ساکنان و استفاده‌کنندگان از فضای این پهنه اخذ شد. جدول ۶ عدد

ب- تعیین روابط علی و معلولی بین مؤلفه‌ها با استفاده از تحلیل میک مک

به‌منظور تهیه داده‌های ورودی، نتایج نظرات خبرگان در ماتریس خودتعاملی ساختاری پس از جمع‌بندی به آن‌ها بازگردانیده شد تا در مواردی که بین دو متغیر رابطه وجود دارد (سلول مورد نظر عدد یک را به خود اختصاص داده است)، شدت این رابطه نیز بر اساس مفاهیم زیر تعیین شود.

عدد ۰ = نبود تأثیر^{۳۱}

عدد ۱ = رابطه ضعیف^{۳۲}

عدد ۲ = رابطه متوسط^{۳۳}

عدد ۳ = رابطه قوی^{۳۴}

با توجه به روابط مستقیم بین متغیرها که شبکه‌ای درهم‌تنیده از روابط رفت و برگشتی است، نرم‌افزار میک مک شاخص‌ها را در دستگاه مختصات دکارتی به چهار دسته تقسیم می‌کند که این دسته‌بندی به شرح زیر است.

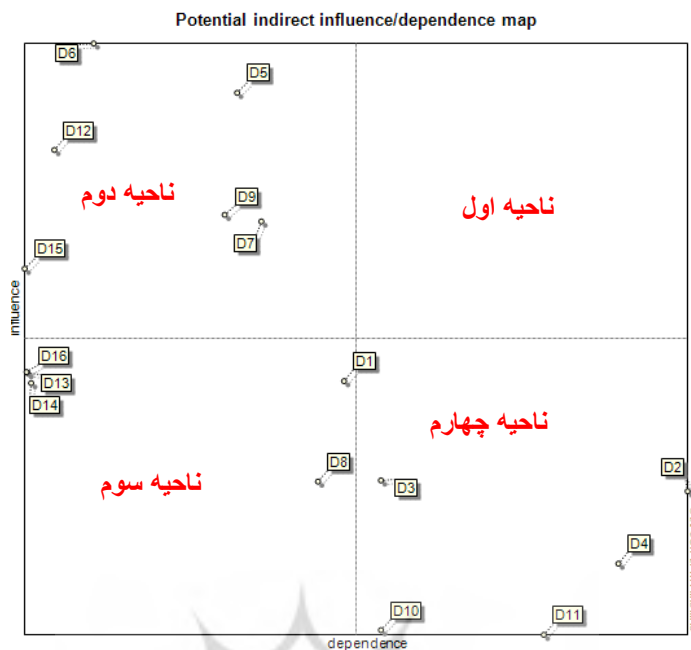
دسته اول: شاخص‌هایی که در ناحیه یک محور مختصاتی قرار گرفته‌اند؛ این دسته از شاخص‌ها تأثیرگذاری زیاد و همچنین، وابستگی زیاد دارند و می‌توان گفت که «متغیرهای پیوندی» هستند که ارتباط بین متغیرهای تأثیرگذار و متغیرهای تأثیرپذیر را برقرار می‌کنند. در میان شاخص‌های حس مکان در پهنه فرهنگی شاهد متغیر پیوندی نیستیم. دسته دوم: متغیرهایی که در ناحیه دوم محور مختصاتی قرار گرفته‌اند

31 . No Influence

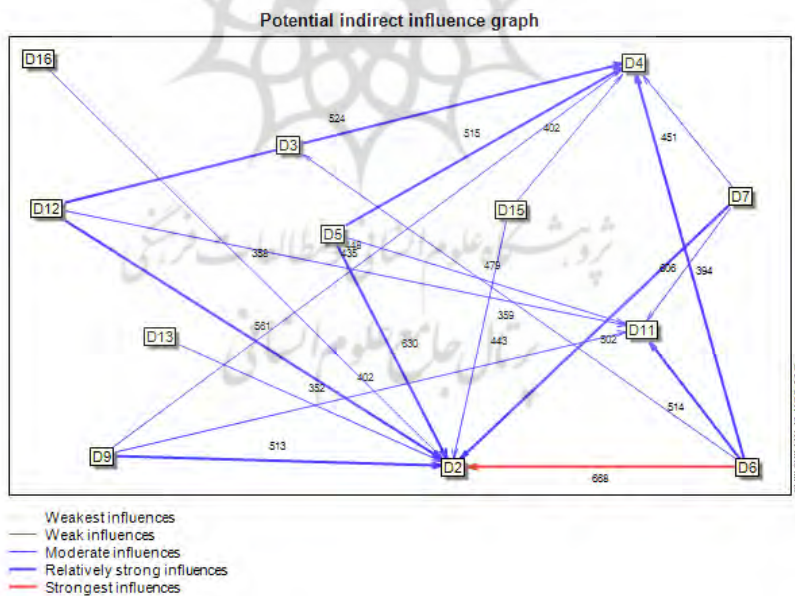
32 . Weak

33 . Moderate Influence

34 . Strong Influence



شکل ۶. نقشه تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری مستقیم متغیرها
 مأخذ: نگارندگان



شکل ۷. گراف تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری غیرمستقیم متغیرها
 مأخذ: نگارندگان

جدول ۵. تعیین نوع متغیرها بر اساس ماتریس روابط مستقیم و غیرمستقیم

نوع متغیر	علامت اختصاری	شاخص
وابسته	D ₁	میزان آرامش در فضا
وابسته	D ₂	میزان حضورپذیری
وابسته	D ₃	میزان درگیری عواطف
وابسته	D ₄	میزان حس تعلق
تأثیرگذار	D ₅	میزان امنیت
تأثیرگذار	D ₆	میزان تعریف قلمرو
تأثیرگذار	D ₇	میزان توجه به گذران اوقات فراغت
مستقل	D ₈	میزان رضایتمندی
تأثیرگذار	D ₉	میزان پاسخ‌دهی به نیازها
وابسته	D ₁₀	میزان درگیری احساسات
وابسته	D ₁₁	میزان دل‌بستگی
تأثیرگذار	D ₁₂	میزان بهره‌مندی از تسهیلات
مستقل	D ₁₃	میزان رضایت از جداره
مستقل	D ₁₄	میزان نشانه‌گذاری
تأثیرگذار	D ₁₅	میزان محصوریت کالبدی
مستقل	D ₁₆	میزان تعریف تباین فضایی

مأخذ: نگارندگان

جدول ۶. محاسبه عدد نهایی تاپسیس و تحلیل کیفی وضعیت آن

وضعیت کیفی شاخص	عدد نهایی تاپسیس	شاخص
متوسط	0.53	میزان آرامش در فضا
بسیار مناسب	0.81	میزان حضورپذیری
مناسب	0.61	میزان درگیری عواطف
نامناسب	0.35	میزان حس تعلق
مناسب	0.74	میزان امنیت
مناسب	0.70	میزان تعریف قلمرو
بسیار مناسب	0.90	میزان توجه به گذران اوقات فراغت
مناسب	0.74	میزان رضایتمندی
مناسب	0.77	میزان پاسخ‌دهی به نیازها
مناسب	0.67	میزان درگیری احساسات
مناسب	0.78	میزان دل‌بستگی
متوسط	0.50	میزان بهره‌مندی از تسهیلات
نامناسب	0.26	میزان رضایت از جداره
مناسب	0.72	میزان نشانه‌گذاری
مناسب	0.66	میزان محصوریت کالبدی
مناسب	0.76	میزان تعریف تباین فضایی

جدول ۷. اولویت‌بندی توجه به شاخص‌های حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت- میدان انقلاب

اولویت نهایی	اولویت متغیر بر اساس تاپسیس	نوع متغیر بر اساس تاپسیس	اولویت متغیر بر اساس ISM_MicMAC	نوع متغیر بر اساس ISM-MicMAC	شاخص
۳	۳	متوسط	۴	وابسته	میزان آرامش در فضا
۵	۵	بسیار مناسب	۴	وابسته	میزان حضورپذیری
۴	۴	مناسب	۴	وابسته	میزان درگیری عواطف
۲	۲	نامناسب	۴	وابسته	میزان حس تعلق
۳	۴	مناسب	۱	تأثیرگذار	میزان امنیت
۳	۴	مناسب	۱	تأثیرگذار	میزان تعریف قلمرو
۵	۵	بسیار مناسب	۱	تأثیرگذار	میزان توجه به گذران اوقات فراغت
۴	۴	مناسب	۳	مستقل	میزان رضایتمندی
۳	۴	مناسب	۱	تأثیرگذار	میزان پاسخ‌دهی به نیازها
۴	۴	مناسب	۴	وابسته	میزان درگیری احساسات
۴	۴	مناسب	۴	وابسته	میزان دلبستگی
۲	۳	متوسط	۱	تأثیرگذار	میزان بهره‌مندی از تسهیلات
۲	۲	نامناسب	۳	مستقل	میزان رضایت از جداره
۴	۴	مناسب	۳	مستقل	میزان نشانه‌گذاری
۳	۴	مناسب	۱	تأثیرگذار	میزان محصوریت کالبدی
۴	۴	مناسب	۳	مستقل	میزان تعریف تباین فضایی

مأخذ: نگارندگان

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا عرصه پژوهش حاضر که پهنه فرهنگی تهران است، معرفی شد و در ادامه، با استفاده از تحلیل تفسیری- ساختاری روابط علی- معلولی بین مؤلفه‌های حس مکان مشخص شد. در مرحله بعد، با استفاده از نرم‌افزار میک مک شدت روابط بین متغیرها محاسبه شد. سپس، به‌منظور تعیین وضعیت هر یک از مؤلفه‌های حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب از مدل تاپسیس استفاده شده و سپس، با استفاده از مدل ترکیبی ISM-Micmac-TOPSIS اولویت توجه به مؤلفه‌های مختلف حس مکان در این پهنه مشخص شدند. مهم‌ترین نتایج پژوهش به شرح ذیل است:

به صورت کلی، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت حس مکان را می‌توان در سه حیطه عملکردی- فعالیتی (رفتاری)، فرمی- کالبدی و ادراکی- احساسی (عاطفی) دسته‌بندی کرد. حیطه عملکردی- فعالیتی که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان

نهایی تاپسیس و تحلیل کیفی وضعیت هر شاخص را در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت تا میدان انقلاب را نشان می‌دهد. بر مبنای نظرات ساکنان و استفاده‌کنندگان از فضای در این محور، شاخص‌های میزان حضورپذیری و میزان توجه به گذران اوقات فراغت در وضعیت بسیار مناسب و شاخص‌های میزان حس تعلق و میزان رضایت از جداره در وضعیت نامناسبی قرار دارند.

به‌منظور ارائه پیشنهادها و تعیین اولویت بهبود مؤلفه‌های حس مکان از نتایج سه مدل تحلیل ساختاری تفسیری (ISM)- میک مک و تاپسیس همانند روندی که در روش پژوهش مشخص شد، استفاده شده است. جدول ۷ اولویت‌بندی توجه به شاخص‌های حس مکان بر مبنای ترکیب نتایج ۳ مدل را نشان می‌دهد.

بر اساس جدول یادشده بهبود شاخص‌های میزان حس تعلق و میزان بهره‌مندی از تسهیلات به منظور ارتقای حس مکان در محور علمی- فرهنگی دروازه دولت- میدان انقلاب در اولویت قرار دارد.

اندیشید و با سطح خود شاخص و ارتباطات محدود آن را بهبود بخشید. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

- میزان تعریف تباین فضایی
- میزان رضایت از جداره
- میزان نشانه‌گذاری
- میزان رضایتمندی

شاخص‌های وابسته وابستگی زیاد و تأثیرپذیری کم دارند. این دسته از متغیرها عبارت‌اند از:

- میزان آرامش در فضا
- میزان حضورپذیری
- میزان درگیری عواطف
- میزان حس تعلق
- میزان درگیری احساسات

جدول ۸ وضعیت اثرگذاری و اثرپذیری هر متغیر در دسته‌بندی سه‌گانه مؤلفه‌های حس مکان را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد جنس مؤلفه‌های ادراکی- احساسی از نوع وابسته است، مؤلفه‌های عملکردی- فعالیتی بیشتر متغیرهای اثرگذار هستند و مؤلفه‌های کالبدی ترکیبی از متغیرهای اثرگذار و مستقل هستند.

به‌منظور سیاست‌گذاری و تعیین اولویت توجه به بهبود مؤلفه‌های حس مکان در هر قلمرویی از فضای عمومی و شهری، می‌توان از ترکیب نتایج سه مدل تحلیل ISM-MICMAC و تاپسیس استفاده کرد. نتایج تحلیل دو مدل که فارغ از نوع مکان هستند و در این پژوهش مشخص شده و قابل تعمیم به هر مکانی هستند. فقط کافی است شاخص‌های حس مکان در هر عرصه قلمروی عمومی و فضای شهری از نظر استفاده‌کنندگان و ساکنان آن با استفاده از مدل تاپسیس مشخص شود.

نتایج حاصل به سیاست‌گذاری مناسب در عرصه فضای عمومی به منظور ارتقای حس مکان کمک شایانی خواهد کرد. جدول بعد اولویت هر متغیر در دسته‌بندی سه‌گانه مؤلفه‌های حس مکان در محدوده مطالعه‌شده را نشان می‌دهد.

نتایج جدول نشان می‌دهد در پهنه‌های فرهنگی دروازه دولت-میدان انقلاب برای ارتقای حس مکان باید به مؤلفه‌های کالبدی توجه بیشتری شود.

● با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در این پژوهش پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی درباره موارد زیر صورت گیرد:

● تبیین مؤلفه‌های حس مکان در همه زیرپهنه‌های ۱۶ گانه پهنه فرهنگی تهران

● برنامه‌ریزی و طراحی شهری مناسب به منظور ایجاد هم‌افزایی بین مؤلفه‌های حس مکان در زیرپهنه‌ها، به طوری که اثر هر یک از مؤلفه‌ها در زیرپهنه‌های مجاور با استفاده از این هم‌افزایی بهبود قابل محسوسی را ایجاد کند.

● تبیین نقش سازمان‌های و نهادهای مختلف توسعه شهری در بهبود مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران

تأکید می‌کند، شامل جنبه‌های مختلف حضور، مشارکت، برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است. حیطة فرمی- کالبدی به چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی در تقویت حس تعلق به مکان، استفاده از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم و جنایت، کیفیت مناسب، تراکم مناسب و طراحی آگاهانه محیط خلاصه می‌شود. همچنین، حیطة معنایی- ادراکی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی بر کیفیت ادراکی فضای معماری و در نهایت، شکل‌گیری و ارتقای حس مکان مؤثرند.

نتایج خروجی مدل تفسیری- ساختاری (ISM) در ۵ مرحله نشان داد شاخص میزان تعریف قلمرو در سطح ششم، شاخص‌های میزان نشانه‌گذاری، میزان محصوریت کالبدی، میزان تعریف تباین فضایی در سطح پنجم، شاخص‌های میزان امنیت، میزان بهره‌مندی از تسهیلات و میزان رضایت از جداره در سطح چهارم، شاخص‌های میزان آرامش در فضا و میزان پاسخ‌دهی به نیازها در سطح سوم، شاخص‌های میزان درگیری عواطف، میزان توجه به گذران اوقات فراغت، میزان رضایتمندی و میزان درگیری احساسات در سطح دوم و در نهایت، شاخص‌های میزان حضورپذیری، میزان حس تعلق و میزان دلبستگی در سطح اول قرار دارند. هر چه سطح شاخص بالاتر باشد، نشان‌دهنده اهمیت بیشتر و کلیدی‌تر بودن شاخص است که در نتیجه، شاخص میزان تعریف قلمرو به عنوان مهم‌ترین مؤلفه حس مکان بر مبنای خروجی پرسش‌نامه مرحله اول دلفی از دید خبرگان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی و طراحی شهری تعیین شد. باید به این نکته توجه کرد که سطح‌بندی مؤلفه‌های حس مکان به این شیوه، ناظر بر مکان خاصی نیست و در هر عرصه و قلمروی فضای عمومی، با هر ویژگی کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی قابل تعمیم است.

● در تبیین شاخص‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران سه دسته شاخص «اثرگذار»، «وابسته»، «مستقل» قابل شناسایی است و شاخص «پیوندی» شناسایی نشد. شاخص‌های پیوندی دارای تأثیرگذاری زیاد و همچنین، وابستگی زیاد هستند و ارتباط بین متغیرهای تأثیرگذار و متغیرهای تأثیرپذیر را برقرار می‌کنند. در میان شاخص‌های حس مکان در پهنه فرهنگی شاهد متغیر پیوندی نیستیم. شاخص‌های اثرگذار تأثیرگذاری زیاد و تأثیرپذیری کم دارند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

- میزان تعریف قلمرو
- میزان امنیت
- میزان بهره‌مندی از تسهیلات
- میزان پاسخ‌دهی به نیازها
- میزان توجه به گذران اوقات فراغت
- میزان محصوریت کالبدی

شاخص‌های مستقل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ضعیفی دارند و ارتباط محدودی با سایر متغیرها و شاخص‌ها دارند. تأثیرگذاری روی این شاخص‌ها به علت ارتباطات محدود با سایر متغیرهای درون سیستم بسیار مشکل است و برای اصلاح و بهبود آن‌ها، باید به مواردی خارج از سیستم

جدول ۸. وضعیت اثرگذاری و اثرپذیری هر متغیر در دسته‌بندی سه گانه مؤلفه‌های حس مکان

مؤلفه حس مکان	شاخص‌های مؤثر حس مکان	وضعیت علی-معلولی
ادراک معنایی	میزان آرامش در فضا	متغیر وابسته
	میزان حضورپذیری	متغیر وابسته
	میزان درگیری عواطف	متغیر وابسته
	میزان حس تعلق	متغیر وابسته
	میزان امنیت	متغیر اثرگذار
عملکردی	میزان تعریف قلمرو	متغیر اثرگذار
	میزان توجه به گذران اوقات فراغت	متغیر اثرگذار
	میزان رضایتمندی	متغیر مستقل
	میزان پاسخ‌دهی به نیازها	متغیر اثرگذار
	میزان درگیری احساسات	متغیر وابسته
کالبدی	میزان دل‌بستگی	متغیر اثرگذار
	میزان بهره‌مندی از تسهیلات	متغیر اثرگذار
	میزان رضایت از جداره	متغیر مستقل
	میزان نشانه‌گذاری	متغیر مستقل
	میزان محصوریت کالبدی	متغیر اثرگذار
میزان تعریف تباین فضایی	متغیر مستقل	

جدول ۹. اولویت هر متغیر در دسته‌بندی سه گانه مؤلفه‌های حس مکان

اولویت	عنوان مؤلفه	رتبه مؤلفه
۱	میزان حس تعلق	ادراکی
۲	میزان بهره‌مندی از تسهیلات	کالبدی
۳	میزان رضایت از جداره	کالبدی

منابع

پرتوی، پ. (۱۳۹۲). «پدیدارشناسی مکان»، تهران: نشر شادرنگ.
 پیریایی، م؛ نجفی‌نژاد، ح؛ غفاری خلف محمدی، س؛ خدادادی فر، س. (۱۳۹۸).
 «ارزیابی تأثیرپذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تأکید بر مؤلفه
 معنای آن؛ مورد مطالعاتی: شوشتر نو در استان خوزستان»، نشریه مدیریت
 شهری، ۵۰، ۱۶۳-۱۸۹.

● بازنگری طرح جامع توسعه فضاهای فرهنگی تهران با در نظر
 گرفتن و اعمال نتایج این پژوهش در طرح یادشده
 ● آزمون و اولویت‌بندی توجه به شاخص‌های حس مکان در شهرهای
 بزرگ ایران نظیر اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و اهواز و مقایسه نتایج
 اولویت‌بندی با نتایج این پژوهش

- Canter, D., (1977), "The Psychology of Place". London: Architectural Press.
- Gustafson, P., (2006), "Place Attachment and Mobility", CAB international.
- Hernandez, B., Martin, A., Ruiz, C., Hidalgo, M, C., (2010), "The role of place identity and place attachment in breaking environment protection laws", *Journal of Environment Psychology*, 30(3), 281-288.
- Jorgensen, B.S., Stedman, R.C., (2006), "a comparative Analysis of Predictor of Sense of Lalli, M, 1992, "Urban related Identity: Theory, Measurement and empirical findings", *journal of Environmental Psychology*, 12, 285-303.
- Low, S., Altman, I., (1992), "Place attachment, Series: Human Behavior and Environment", US: Springer.
- Manzo, L., (2003), "Beyond House and Haven: Toward a previsioning of Emotional Relationship with Place", *Journal of Environmental Psychology*, 23, 47-61.
- Manzo, L., Wright, P., (2017), "Place Attachment Advances in Theory, Methods And Applicatipns", Routledge.
- Marticco, C., (2014), "Becoming Locals in a Borderland of Exiles: Sense of Place in the Stories of Lithuania Minor Dwellers", *Master's Thesis, University of Tutku*.
- Masterson, V., Stedman, R., Enqvist, J., Tengö, M., Giusti, M., Wahl, D., Svedin, U., (2017), "The contribution of sense of place to social-ecological systems research: a review and research agenda", *Ecology and Society*, 22(1), 49-61.
- MirGholami, M., Aishm, M., (2016), "Sense of Place Assessment Model Based on Physical, Perceptual, Functional and Social Components, Case Study: Imam Street of Urmia", *Journal of Urban Studies*, 5(19), 69-80.
- Panter, J. V., (1991). "Participation in the Design of Urban Space", *Landscape Design*", 200, 24-27.
- Poladashvili, T., (2015), "To Evaluate Sense of Place of tourists visiting Kazbegi National Park, Master Thesis in Business Sciences, Supervisor": Prof. Doutor António Cardoso, University of Fernando Pessoa.
- Proshansky, H., (1978), "The city and selfidentity". *Environment and Behavior*, 10,147-169.
- Qazimi, S., (2014), "Sense of place and place identity", *European Journal of Social Sciences Education and Research*, 1(1), 306-311.
- Rita, D., Gabriela, G., Saúl Neves, J., (2020), "Measuring Sense of Place: a new place-people-time-self model", *Spatial and organization dynamic*, 9(3), 73-91.
- Salvesen, D., (2002). "The Making of Place"; *Research on Place and Space Website*.
- Shamai,S., (1991), "Sense of place: an empirical measurement", *geoforum*, 22, 347-358.
- جعفری پور، س؛ فروتن، م. (۱۳۹۴). «ارزیابی دل‌بستگی به مکان: تبیین عوامل و شاخص‌ها». *فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار*، ۴(۱۳)، ۶۳-۷۶.
- حیدری، ع؛ مطلبی، ق؛ نکویی مهر، ف. (۱۳۹۳). «بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دل‌بستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان». *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۱۹(۱)، ۱۵-۲۲.
- رحیمی، ل؛ رفیعیان، م؛ باقری، م. (۱۳۹۶). «ارزیابی تأثیر مقیاس مکانی بر دل‌بستگی ساکنان به مکان در محلات مرکزی شهر تبریز». *دو فصلنامه معماری و شهرسازی*، ۹(۱۸)، ۴۳-۵۸.
- رفیعیان، م؛ خدائی، ز؛ داداش پور، ه؛ تقوایی، ع. (۱۳۹۵). «تحلیل میزان دل‌بستگی نوجوانان از محیط‌های عمومی شهری با تأکید بر ظرفیت اجتماعات محلی». *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۰(۲)، ۱۶۹-۱۹۰.
- شرکت توسعه فضاهای فرهنگی. (۱۳۹۰). *طرح ساختاری ساماندهی و توسعه فضاهای فرهنگی تهران*. انتشارات رخداد نو.
- شولتز، ن. (۱۳۹۲). *روح مکان*. انتشارات رخداد نو.
- لنگ، ج. (۱۳۹۳). *طراحی شهری: گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها: همراه با بیش از پنجاه مورد خاص*. انتشارات دانشگاه تهران.
- فلاح، م (۱۳۸۴)، «نقش طرح کلیدی در حس مکان مسجد». *هنرهای زیبا*، ۲۶، ۵۷-۶۶.
- فلاح، م؛ کمالی، ل؛ شهیدی، ص. (۱۳۹۶)، «نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری». *باغ نظر*، ۴۶، ۱۵-۲۲.
- کرمونا، م. (۱۳۹۴). *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری*. انتشارات دانشگاه هنر.
- محمدمردادی، آ؛ یزدانفر، ع؛ فیضی، محسن؛ نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۸). «سنجش حس مکان و مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران مورد مطالعه: محله تاریخی امام‌زاده یحیی». *دو فصلنامه معماری ایرانی*، ۱۵، ۱۷۳-۱۹۱.
- AbdGhapar, M., (2018), "Factors Influencing the Change in the Sense of Place of Markets in Urban Regeneration", *Middle-East Journal of Scientific Research*, 24 (2), 353-358.
- Arefi, M., (1999), "Non Place and Placelessness as Narratives of Loss", *Journal of Urban Design* 4(2), 179-193.
- Arifwido, S., Chandrasiri, O., (2013), "The Relationship Between Housing Tenure, Sense of Place and Environmental Management Practices: A Case Study of Two Private Land Rental Communities in
- Beidler, Kyle., (2007), "Sense of Place and New Urbanism: Towards a Holistic Understanding of Place and Form", *PHD Thesis in Environmental Design and planning, Virginia: Blacksburg*.
- Brown, G., Brown, B., , Perkins, D., (2004), "New housing as neighborhood revitalization: place attachment and confidence among residents" , *journal of Environment and Behavior*, 36(6), 749-775.
- Carmona, M. (2010). "Contemporary public space: Critique and classification, part one: Critique". *Journal of urban design*, 15(1), 123-148.
- Cross, J., (2001). "what is sense of place", in *12th headwaters conference. western state college*.

- Williams, D., (2014), "Landscape and Urban Planning Making sense of place: Reflections on pluralism and positionality in place research", *Landscape and Urban Planning*, 131, 74-82.
- Zhu, H., Liu, J., Wei, Z., Li, W., Wang, L., (2017) "Residents' attitudes towards sustainable tourism development in a historical-cultural village: Influence of perceived impacts", *sense of place and tourism development potential, Sustainability*, 9(1), 1-16.
- Steele, F., (1981). "The Sense of Place", *Massachusetts. CBI Publishing Company*.
- Tuan, Y. F., (1974), "Topophilia. Englewood Cliffs", *NJ: Prentice-Hall*.
- Tuan, Y. F., (1980), "Rootedness versus sense of place", *Landscape*, 24, 3-8.
- Ujang, N., (2102). "Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity", *Social and Behavioral Sciences*, 94, 56-64.

